

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سازمان اداری دولت صفوی بعد از اصلاحات شاه عباس اول

بوسیله

عباس قدم

پایان نامه

ارائه شده به دانشکده تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیتهای

تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته

تاریخ

از

دانشگاه شیراز

شیراز ، ایران

۹۰۹۱

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه : عالی

امضای اعضاء کمیته پایان نامه :

..... دکتر عزت الله نوذری ، دانشیار بخش تاریخ

..... دکتر جهانبخش ثواقب ، استادیار بخش تاریخ

..... دکتر سید حسن موسوی ، استادیار بخش تاریخ

خرداد ۷۹

۳۱۴۹۶

تقدیم به :

به پدر و مادرم

به پاس

فداکاریهای بی دریغشان

۳۱۴۹۶

سپاسگزاری

« من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً »

مولا علی (ع)

در گردآوری و نگارش پژوهش حاضر مرهون لطف و عنایت بزرگوارانی
بوده‌ام که سپاسگزاری از آنها را بر خود فرض می‌دانم.
استاد بزرگوار جناب آقای دکتر عزت ا... نوذری (استاد راهنما)
اساتید معزز، جناب آقای دکتر جهانبخش ثواب و جناب آقای دکتر سید حسن
موسوی (اساتید مشاور)
و کلیه اساتید بزرگوار بخش تاریخ که در طول دوران تحصیل از خوان دانش
بیدریغشان بهره‌ها گرفتم.

چکیده

سازمان اداری دولت صفوی بعد از اصلاحات شاه عباس اول

بوسیله

عباس قدم

رساله حاضر در چهار فصل تلاش دارد تا تصویری منسجم از سازمان اداری دولت صفوی پس از اصلاحات شاه عباس اول ارائه نماید. همچنین موضوعاتی از قبیل اجزای دستگاه اداری، شرح وظایف، حیطه اختیارات، قابلیت های صاحبان مناصب و نحوه ارتباط ادارات مختلف با هم در این رساله مورد شرح و بررسی قرار گرفته اند.

در فصل اول به دو مبحث، به شکلی اجمالی و کلی پرداخته شده است. یکی سیر تحولات سازمان اداری صفوی از ابتدا تا دوره شاه عباس اول، و دیگری اصلاحات شاه عباس در آن سازمان.

در فصل دوم به شرح و بررسی تشکیلات کشوری پرداخته شده است. عمده ترین مباحث این فصل، شاه و وزیر اعظم می باشند و شرح جایگاه و وظایف مقامات پایین تر در سلسله مراتب قدرت به ترتیب اهمیت در پی آن دو مقام اصلی آمده است.

سازمان قضایی دولت صفوی از دو بخش شرعی و عرفی تشکیل می شد و در عین تفاوت به هم پیوستگی داشت. این مبحث همراه با شرح وظایف و عملکرد صاحب منصبان اصلی از قبیل دیوان بیگی و صدر، موضوع فصل سوم است.

در فصل چهارم درباره تشکیلات لشکری صفوی و به ویژه تغییرات بنیادینی که شاه عباس اول به علل و عوامل متعدد در آن به وجود آورد، بحث شده است. در این فصل نقش و جایگاه و عملکرد کلیه فرماندهان ارشد ارتش صفوی بررسی شده است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۷	- فرضیه
۹	- روش تحقیق
۱۰	- پیشینه تحقیق
۱۳	- نقد و بررسی منابع
۳۱	فصل اول: سازمان اداری حکومت صفوی از آغاز تا اصلاحات شاه عباس
۳۲	۱-۱- سیر تحولات سازمان اداری صفوی
۴۵	۱-۲- اصلاحات شاه عباس
۵۹	فصل دوم: تشکیلات کشوری دولت صفوی پس از اصلاحات شاه عباس اول
۶۰	۲-۱- شاه
۷۰	۲-۲- وزیر اعظم
۷۶	۲-۳- وکیل دیوان اعلی
۷۸	۲-۴- ناظر کل بیوتات
۸۱	۲-۵- مستوفی الممالک
۸۵	۲-۶- مستوفی خاصه
۸۸	۲-۷- ایشیک آقاسی باشی
۹۱	۲-۸- واقعه نویس
۱۰۴	فصل سوم: سازمان قضایی دولت صفوی پس از اصلاحات شاه عباس اول
۱۰۵	۳-۱- شاه
۱۰۶	۳-۲- دیوان بیگی
۱۰۸	۳-۳- وظایف قضایی صدر
۱۱۰	۳-۴- بیوستگی قضاوت شرعی و عرفی در دوره صفویه
۱۱۴	۳-۵- شیخ الاسلام
۱۱۵	۳-۶- قاضی
۱۱۶	۳-۷- قاضی عسکر
۱۱۷	۳-۸- داروغه

صفحه

عنوان

۱۲۳	فصل چهارم : سازمان نظامی دولت صفوی پس از اصلاحات شاه عباس اول
۱۲۵	۱-۴-الف: نیروهای نظامی سنتی
۱۲۵	۱-۴-۱-امیرالامرا و تشکیلات آن
۱۲۷	۲-۴-۱-قورچیان و قورچی باشی
۱۲۹	۲-۴-ب: نیروهای نظامی جدید
۱۲۹	۱-۴-۲-۱-قوللر آقاسی
۱۳۲	۲-۴-۲-تفنگچی آقاسی
۱۳۳	۳-۴-۲-توپچی باشی
۱۳۶	۴-۴-۲-سپهسالار
۱۴۴	نتیجه گیری
۱۴۷	کتابنامه

ضمائم

صفحه چکیده و عنوان به زبان انگلیسی

مقدمه

نهادها و سازمان‌های حکومتی و اداری از جمله آثار حیات اجتماعی اقوام متمدندند که برای برقراری امنیت و تنظیم روابط اجتماعی توسط حکومتها ایجاد می‌شوند و به تبع تحولات و تطوراتی که جوامع انسانی در طول زمان پیدا می‌کنند، تغییر می‌یابند. به همین دلیل است که وضع تشکیلات حکومتی در هر دوره و سلسله، تا حدی متفاوت از سلسله و دوره دیگر است. از این رو شناخت نهادها و سازمان‌های اداری و حکومتی موضوع یکی از شاخه‌های تاریخ اجتماعی است که به رغم اهمیت آن کمتر مورد توجه مورخان و محققان تاریخ قرار گرفته است. بطوری که امروزه، آگاهی ما در این بخش از تاریخ بسیار اندک و مبهم می‌باشد.

علت این کم توجهی را باید در دو عامل اصلی جستجو کرد. نخست، عدم شناخت کافی ما از اجزاء و جوانب مختلف جامعه ایران - مانند طبقات و گروههای اجتماعی و روابط آنان با هم و گروههای متنوع قومی و مذهبی - و همچنین متحول بودن این جامعه بسیار گونه‌گون، دشواری خاصی را در فهم روابط اجتماعی و سازمان‌های اداری و چگونگی تحول آن آفریده است؛ دوم مؤلفان بومی و سنتی تاریخ ایران یا به علت عدم احساس دگرگونی اجتماعی و یا برای پنهان کردن واقعیت ناگزیر تحول از افراد اجتماع، به بیان تحول نهادهای اجتماعی و از جمله سازمان‌های حکومتی و اداری نپرداخته‌اند. به عبارت دیگر منابع و مآخذ لازم، برای شناخت تشکیلات اداری ایران در ادوار مختلف، نایاب یا لااقل دیریاب هستند.

ظهور صفویه در قرن ۱۶ (م) / ۱۰ (هـ.ق) نشانی است از آغاز دورانی جدید در

تاریخ ایران؛ از لحاظ سیاسی ایران دارای حکومت مرکزی می‌شود و از نظر مذهبی، مذهب شیعه اثنی‌عشری را به عنوان مذهب رسمی قبول می‌کند. این وضع جدید سیاسی و عقیدتی باعث بوجود آمدن نهادها و سازمان‌های جدیدی نسبت به گذشته شد، ولیکن در سایر زمینه‌ها صفویان وارثان دولتهای پیشین بودند. به همین دلیل در جامعه صفوی برخی جوانب تشکیلات حکومتی آن، ادامه و استمرار سازمان حکومتی و اداری پیش از خود بود و در برخی قسمت‌ها، نوآوری‌ها و دستاوردهای خود جامعه صفوی می‌باشد. از طرف دیگر، نطفه ایران جدید در دوره صفویه بسته شد و نهادها و سازمانهایی که در طول حکومت صفویان بوجود آمدند، با از بین رفتن صفویان باقی ماندند. و در طول دوره‌های بعدی کارآمدی داشتند و امروزه نیز شکل تغییر یافته آنها در جامعه به چشم می‌خورد که این ضرورت روشن شدن سازمان اداری صفوی را نسبت به دوره‌های دیگر، بیشتر می‌کند.

به رغم این ضرورت، هنوز تحقیقی جامع با تکیه به کلیه اسناد و مدارک در مورد سازمان اداری دولت صفوی انجام نگرفته است. به طوری که ما نمی‌توانیم تصویری کلی از سازمان اداری دولت صفوی و نحوه انجام امور تجسم کنیم. پیوستگی تشکیلات اداری، اجزای دستگاه اداری و دیوانی، شرح وظایف، حیطه اختیارات و قابلیت‌ها و توانایی‌های صاحب منصبان آن و نحوه ارتباط ادارات مختلف با یکدیگر از عمده‌ترین مسائلی است که هنوز در پرده ابهام باقی مانده است.

سازمان ارائه شده به وسیله متون اداری نظیر تذکره الملوک - که الگوی پژوهش‌های بعدی نیز قرار گرفته - بیشتر بیانگر هیرارشی اداری و درجه اعتبار صاحب منصبان در

سلسله مراتب اداری است، تا پیوستگی وظایف اداری آنان با هم. به همین دلیل نمی توان

تصویری منسجم از سازمان اداری و نحوه اداره و جریان امور تجسم کرد.

هدف اصلی ما در این پژوهش آرایه تصویری منسجم از سازمان اداری دولت

صفوی به منظور روشن شدن پیوستگی وظایف اداری مناصب آن دولت با هم است. به

عبارت دیگر پاسخ به این سؤال که، نمودار اداری دولت صفوی چگونه بود؟

ولیکن متأسفانه از دوره متقدم عصر صفوی متن یا گزارش مستقلی در مورد سازمان

اداری وجود ندارد، و فقط گهگاه در متون دست اول تاریخی اشاراتی به برخی از صاحب

منصبان اداری و لشکری و مذهبی شده است، مانند فهرست صاحب منصبان دوره

طهماسب اول، مندرج در کتاب عالم آرای عباسی و یا به گزارش های اندکی از اسامی

صاحبان مناصب و سمت ها در منابع خارجی مثل گزارش های سیاحان ونیزی می توان

برخورد کرد، که به هیچ وجه برای شناسایی تشکیلات حکومتی کافی نیستند.

به رغم ضعف منابع در دوره متقدم صفوی، از عصر پایانی حکومت صفویان منابع

و گزارش های زیادی درباره سازمان اداری به دست ما رسیده است. سه متن اداری مستقیم

دوره صفویه - تذکرة الملوک، دستور الملوک و رساله القاب و مواجب دوره سلاطین

صفویه - همگی مربوط به اواخر دوره صفوی و دوره افغان ها است. علاوه بر این اکثریت

قریب به اتفاق گزارش ها سیاحان اروپایی در این مورد مربوط، به دوره بعد از شاه عباس

اول است. تمامی این منابع (اعم از داخلی و خارجی) اشاره به تشکیلات و تنظیمات

سازمان اداری اواخر دوره صفوی دارند، که بازمانده تشکیلات دوره شاه عباس اول و

اصلاحات بنیادی اوست.

با در نظر داشتِ نکته فوق (وجود منابع) و محدودیت زمان برای تهیه رساله کارشناسی ارشد، موضوع پژوهش را از لحاظ زمانی محدود به نیمه دوم حکومت صفویان، یعنی بعد از اصلاحات شاه عباس تا پایان عصر صفوی نمودیم.

فصل نخست شامل شرحی است کلی و اجمالی درباره نظام اداری صفوی از ابتدا تا دوره شاه عباس. این فصل زمینه‌ای است برای شناخت هر چه بهتر چرایی و چگونگی اقدامات اصلاحی شاه عباس در تغییر ساختار حاکمیت صفوی. بنابراین اگر چه این فصل به لحاظ زمانی در حیطه پژوهش حاضر قرار نمی‌گیرد اما به منزله شالوده و بنیاد فصول و مباحث اصلی پژوهش حاضر است و بدون آن تعیین چارچوب و حد و حدود و به ویژه مسأله محوری پژوهش ما ممکن نمی‌شد.

سه مبحث اصلی این پژوهش یعنی تشکیلات کشوری، تشکیلات قضایی و تشکیلات لشکری به ترتیب در فصول بعدی قرار گرفته‌اند. به این معنی که در فصل دوم، عمده‌ترین مقامات و مناصب تشکیلات کشوری را حسب سلسله مراتب قدرت در تشکیلات هرم‌گونه صفوی به بحث گذاشته‌ایم. جایگاه و نقش و کارکرد هر یک از اجزاء و بدنه اصلی این سلسله مراتب قدرت را از شاه و وزیراعظم گرفته تا وکیل، ناظر بیوتات و مستوفی... بررسی کرده‌ایم. از آنجایی که شاه - بنا به ماهیت استبدادی نظام صفوی - محور وجود کل تشکیلات حکومت بود و به عبارتی هم محور و اساس بود و هم رأس تشکیلات، ما ترجیح دادیم، که نظریه‌های گوناگون درباره اساس مشروعیت قدرت شاه حتی الامکان بررسی شده و بر این اساس منحنی تحول مبانی نظریه دولت در طول دوره صفوی نشان داده شود. کوتاه اینکه گذار صفویان از نظریه‌های مذهبی مثل نیابت امام

غایب یا نظریه صوفیانه مرشد کامل و رئیس طریقت، به نظریه سنتی حق الهی سلطنت مبتنی بر اندیشه فرّه ایزدی، اساس بحث و تحلیل ما درباره شاه بوده است.

این موضوع که چرا و چگونه شاهان صفوی به چنین گذاری تن در داده یا روی آوردند و سر آخر - یا به اجبار یا از روی اختیار و آگاهی - ترجیح دادند که پایه مشروعیت قدرت و سلطنت خویش را بر نظریه حق الهی سلطنت مبتنی بر اندیشه سنتی فرّه ایزدی استوار سازند، مورد مو شکافی قرار گرفته است. پرواضح است که چنین گذاری راه را برای گذار از یک سلطنت مقید به قید حدّ و حدود و قوانین مذهبی و فقهی به یک سلطنت استبدادی مطلقه، طبق سنت کهن، هموار کرد و امکان چالش نیروهای مذهبی جامعه صفوی را با اساس مشروعیت قدرت پادشاه خود کامه صفوی به نحو محسوسی کاهش داد. در صورتی که پای بندی به نظریه هایی چون نیابت امام و امثال آن می توانست میدان چالش نیروهای مذهبی با قدرت سلطنت را به عنوان نایبان اصلی و حافظان شریعت حقه، هر چه گسترده تر سازد.

در مبحث وزیراعظم در پی اثبات فرضیه بنیادی پژوهش حاضر یعنی پیوستگی سازمان کشوری دولت صفوی بوده ایم. بر همین اساس، دیوان اعلیٰ یا وزیراعظم به عنوان صاحب منصب محور این تشکیلات قرار می گیرد. و سایر ادارات و صاحب منصبان آن، در حوال محور وزیراعظم به اداره امور مشغولند. در این فصل علاوه بر شرح وظایف و حوزه عملکرد هر یک از سازمانهای تابع دستگاه وزیر، جایگاه و درجه اعتبار صاحب منصبان کشوری در هیرارشی اداری آورده شده است، تا خوانندگان بتوانند تصویری صحیح و منسجم از این سازمان مجسم نمایند. در این فصل فقط به ذکر و توضیح مناصب اصلی

سازمان کشوری مثل وزیراعظم، وکیل دیوان اعلی، ناظر کل بیوتات، مستوفی الممالک، مستوفی خاصه، ایشیک آقاسی باشی و واقعه‌نویس پرداخته‌ایم و به مشاغل جزئی‌تر و درجه دوم (تابینان) بصورت مستقل پرداخته نشده است.

فصل سوم به تشریح سازمان قضایی صفوی اختصاص یافته است. در این تشکیلات شاه به عنوان مرجع نهایی محاکم و مظهر قانون در رأس هرم قرار داشت. سازمان قضایی صفوی نیز مثل سازمان اداری و سازمان نظامی، دارای تشکیلاتی عریض و طویل بود که سلسله مراتب قدرت در آن از شاه آغاز و به شاه نیز ختم می‌شد. در واقع فلسفه وجودی چنین تشکیلاتی برآمده از وجود شاه به عنوان محور نظام دولت و جامعه بود. در هرم تشکیلات قضایی پس از شخص شاه، صاحب منصبان دیگری اشتغال داشتند که عمده‌ترین آنها عبارت بودند از: دیوان بیگی، صدر، شیخ الاسلام، قاضی، قاضی عسکر و داروغه. ما در این فصل علاوه بر اثبات پیوستگی دو شاخه محاکم شرعی و عرفی، به بررسی نقش و جایگاه و کارکرد هر یک از صاحب منصبان فوق‌الذکر پرداخته‌ایم.

فصل چهارم مربوط به تشریح سازمان نظامی و تشکیلات لشکری است. می‌دانیم که ماهیت حکومت در ایران لااقل از دوره نفوذ ترکان و چیرگی روز افزون نظام قبیله‌ای بر نظام مدنی، میلیتاریزه (نظامی) بوده است به این معنی که وجود دولت با قدرت شمشیر پیوند خورده و در نبود یک قدرت قاهر نظامی در مرکز، حالت ملوک الطوائفی و خان‌خانی بر کل کشور سایه می‌انداخته است. در واقع پس از شروع قبیله‌ای شدن روز افزون جامعه ایران از دوره سلجوقیان به بعد، به تدریج نقش عواملی چون دین و نژاد و روابط خونی و دودمانی و... در ایجاد و قوام اساس مشروعیت قدرت رو به کاهش نهاد و در عوض عامل

زور جایگزین آن عوامل شد. به عبارت بهتر قدرت شمشیرتعیین کننده حق سلطنت بود. در یک کلام، در عمل، حق با زور و شمشیر بود نه با نژادگان و دینداران و دین یاران. صفویان نیز از این قاعده مستثنی نبودند. به این معنی که هر چند سلسله صفوی با دعاوی و انگیزه‌های خاص مذهبی به قدرت دست یافته و بر اریکه سلطنت تکیه زده و جایگزین شده بود و تلاش داشت که خود را سلطنتی با شأن و منزلت خاص مذهبی و روحانی، به عنوان حافظ و مروج مذهب حقه و انمود سازد اما در عمل، هم در رسیدن به قدرت و هم در حفظ و تداوم قدرت، مرهون شمشیر قزلباشان بود. بنابراین بسان دولتهای پیشین، دولت صفوی نیز در اساس، متکی بر قدرت ارتش خود بود و تشکیلات لشکری در مجموعه تشکیلات حاکمیت صفوی نقشی کاملاً محوری داشت. به ویژه پس از اصلاحات شاه عباس اول ارتش جدید نقشی بسزا در کنترل نیروهای گریز از مرکز، و تضعیف قبیله‌گرایی قبایل اتحادیه قزلباش بازی می‌کرد و جالب اینکه اصلاحات نظامی شاه عباس در نهایت به تحول، در کلیه بخش‌های سازمان اداری صفویان انجامید و در پاره‌ای موارد ساختار حاکمیت صفوی را دچار تغییرات بنیادین کرد. ما سازمان نظامی صفوی را با تکیه بر بدنه اصلی ارتش به دو قسمت سنتی و جدید - یعنی پیش و پس از اصلاحات شاه عباس - تقسیم کرده و در هر بخش اجزای بدنه اصلی را از سر تا بن شناسایی و بررسی کرده‌ایم.

فرضیه:

براساس سؤال اصلی مسأله تحقیق «چگونگی کارکرد سازمان اداری دولت صفوی»

و هدف تحقیق «ارایه تصویری منسجم از دستگاه مزبور» در ابتدا دو فرضیه ارایه شد.

فرضیه اول؛ تقسیم بندی سازمان اداری دولت صفوی به دو شعبه اصلی «خاصه» و «ممالک»، که در هر یک از این شعب هیرارشی هرم گونه‌ای وجود دارد. این نحو تقسیم بندی الگویی است که عمدتاً در متون اداری دوره صفوی رعایت شده است، و پژوهشگرانی همچون مینورسکی، رهبرن و سیوری از این الگو استفاده کرده‌اند. هر چند تلاش این پژوهشگران جهت شناساندن سازمان اداری دولت صفوی همراه با دقت علمی و استفاده از منابع فراوانی صورت گرفته است، ولیکن نتوانسته است پیچیدگی های این سازمان را روشن کند. عدم ارایه یک تعریف دقیق از مناصب و ادارات سازمان دولت صفوی، ابهام در روابط موجود این شعب و اختلاط وظایف و حوزه عملکرد آنها، مسائلی است که در تمامی این پژوهش ها لاینحل مانده است. برای نمونه هنوز مشخصاً حوزه و حیطة خاصه و ممالک روشن نشده است، و فرق میان خالصه و خاصه معلوم نیست. به نظر ما علت اصلی این پیچیدگی در نحوه تقسیم بندی این سازمان است.

فرضیه دوم؛ که این پژوهش براساس آن صورت گرفته، دستگاه دولت صفوی را تشکیلاتی منسجم و بهم پیوسته می داند، که به رغم تقسیم بندی آن به سازمان هایی با وظایف متفاوت، صددرصد به هم پیوسته‌اند. در این فرضیه کل دستگاه دولت صفوی به سه سازمان اصلی تقسیم می شوند. این ادارات عمدتاً با نام صاحب منصبان آنان شناخته می شدند. و از آنجائیکه این صاحب منصبان در هرم هیرارشیک دولت صفوی قرار داشتند، به رغم اختلاف وظایف، به هم پیوسته می شوند. بدین ترتیب این طرح در عین اینکه تصویری منسجم از پیوستگی وظایف و نحوه اداره و جریان امور ارایه می دهد، انعکاس دهنده سیستم هیرارشی سازمان اداری دولت صفوی نیز می باشد.

روش تحقیق:

در تحقیق و تدوین رساله حاضر سعی شده است، در حد توان به تمامی منابع و متون مربوط به موضوع رساله رجوع شود ولیکن اهتمام اساسی بر روی سه متن اصلی و مستقیم اداری - یعنی دستور الملوک، تذکرة الملوک و رساله القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه - بوده است. البته تلاش شده است، اطلاعات در ابتدا از روی این سه متن استخراج و مقایسه گردد، و سپس اطلاعات استخراج شده با رجوع به منابع دست اول تاریخی، اسناد و سفرنامه‌های خارجی و تألیفات متأخرین در معرض نقد و انتقاد قرار گیرد. و نهایتاً کوشیده شده است، صحیح‌ترین اطلاعات، از طریق تطبیق و تلفیق اندیشیده یادداشت‌های جمع آوری شده ارایه شود. مراحلی که در تحقیق و تدوین این رساله از ابتدا تا انتها (از گردآوری مطالب تا تدوین رساله انجام شده به ترتیب ذیل است.

۱- مطالعه اجمالی نوشته‌های تحقیقی در زمینه موضوع رساله جهت به دست آوردن شمایی کلی از موضوع و طرح ریزی یک فصل‌بندی مقدماتی، براساس فرضیه تحقیق.

۲- بررسی و مطالعه دقیق مطالب مورد نظر از خلال اسناد، منابع دست اول اداری و تاریخی و سفرنامه‌ها و تحقیقات جدید و تحقیق در احراز اصالت و صحت مطالب.

۳- فیش برداری آگاهی‌های مربوط به موضوع رساله.

۴- دسته‌بندی فیش‌ها براساس فصل‌بندی مقدماتی جهت سهولت در مقایسه و نقد اطلاعات.

۵- مطالعه تطبیقی فیش‌ها و نقد اطلاعات مندرج در آنها به منظور احراز اصالت و